

به نام خدا

۱. عزیزم برای هر ترکیب یک کلمه بنویس و جمله بساز.

- : ضا
- : ضو
- : ضی

۲. کلمات را با دقت بخوان و در جای مناسب بنویس.



ض	ز	ذ
.....		
.....		
.....		
.....		
.....		

۳. مرتب کن.

* رضا - پدر بزرگ - از - می گیرد - وضو - نماز - قبل

•

* ماهی - دو - شنا - می کنند - حوض - قرمز - در

•

* مسلمانان - رمضان - ماه - می گیریم - ما - در - روزه - مبارک

•

نام زیبای من:

فرزند با سلیقه ام
با توجه به راهنما
از رنگ های مناسب
استفاده کن تا این
نقاشی زیبا کامل شود.

راهنما:

کلماتی که (ضاد) دارند
سبز

کلماتی که (ز) دارند
قرمز

کلماتی که (ذال) دارند
نارنجی

کلماتی که (صاد) دارند
قهوه ای

وضو

زیاد

صندلی

سرباز

حضرت

رضا

بعضی

اذان

ذرت

دلپذیر

قصه

صبح

ریز

هفت

صد آذر

بازار

مریض

ریاضی





فرهاد یک دسته ۷ تایی از گل های مختلف به مادرش هدیه کرد . مینا هم یک دسته ی ۱۲

تایی گل رز به او هدیه داد . مادرش روی هم چند گل دارد ؟

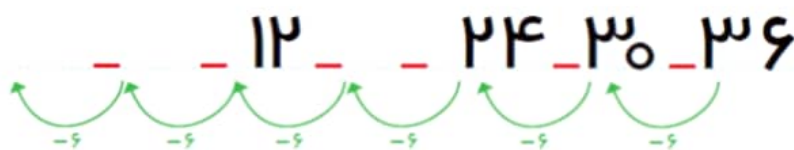
بعد از چند روز ۳ گل رز و ۲ گل از دسته ی دیگر پژمرده شدند .



چند گل پژمرده شدند ؟

چند گل شاداب مانده است ؟

روی محور از عدد ۱۸ ، شش تا شش تا برگرد .





ساعت چند است.



.....



.....



.....



ساعت بین و است.

ادامه بده.

هشتاد و پنج - هشتاد و شش - هشتاد و

بیست - سی - چهل -





امضای من

من از حالا تمرین امضا می‌کنم.

می‌خواهم وقتی بزرگ شدم، امضایم قشنگ باشد.

اسم من مرضیه رضایی است.

ببینید کدام یک از امضاهايم قشنگ‌تر است.

مرضیه
رضایی



جوجه‌ی رضا

رضا یک جوجه دارد.

جوجه‌اش کوچک و ضعیف است.

رضا مراقب است که جوجه‌اش مریض نشود.

بعضی وقت‌ها، گربه‌ی همسایه می‌آید و جوجه‌ی رضا را دنبال می‌کند.

رضا می‌دود و گربه را از خانه بیرون می‌کند.





ضِ اَوَّلِ ضَعِيفِ اَسْت
صابونِ كِنارِ لِفِ اَسْت



ضِ اَوَّلِ ضَرْبِه اَسْت
پَنجِرِه يِ مَاشِگَسْت



ضِ اَوَّلِ ضَخِيمِ اَسْت
اين، پالتويِ كَرِيمِ اَسْت



ضِ اَوَّلِ ضَروريِ سَت
كِتري، دَاداشِ قوريِ سَت





امام رضا ضامن آهو است.



معلم ضرب را در ریاضی به ما آموخت.

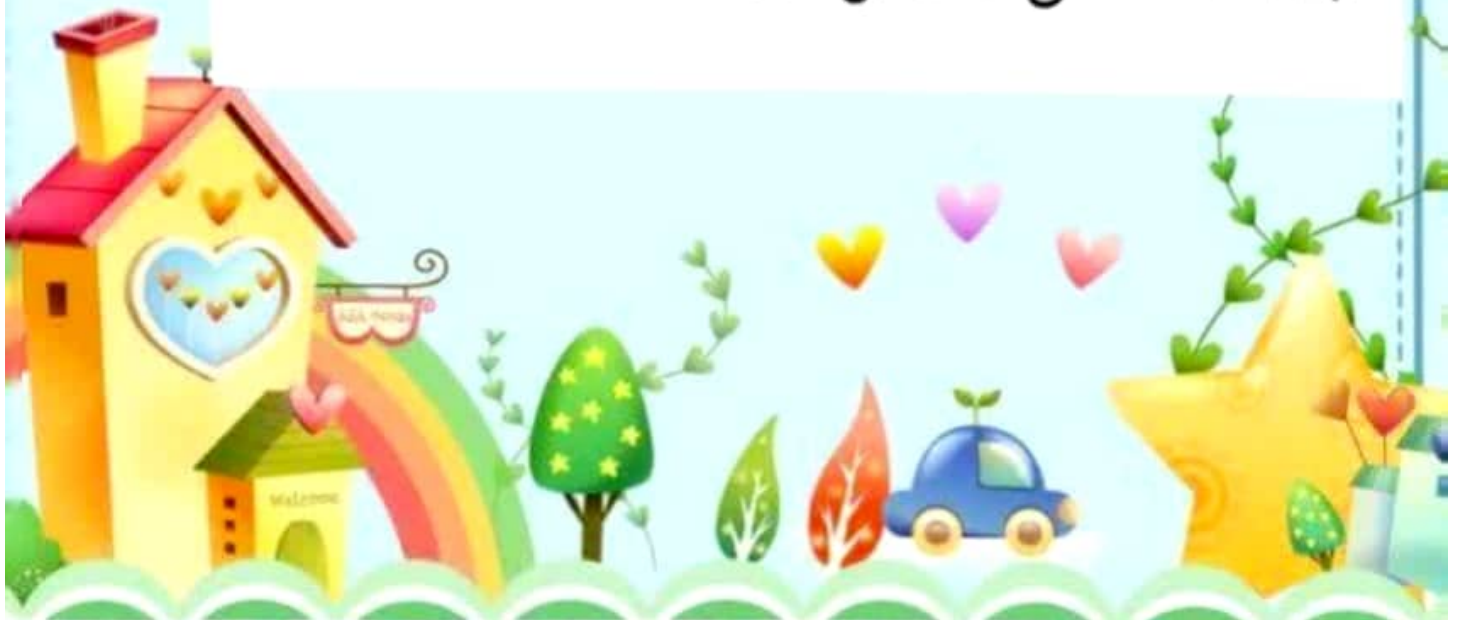
پدر رضایت نامه ی ابوالفضل را برای اردو امضا کرد.

بعضی وقت ها به ماهی های حوض نگاه می کنم.

همیشه آرزو می کنم کاش به فضا سفر کنم.

حضرت محمد (ص) پیامبر اسلام است.

مرضیه با مادرش وضو می گیرد.





قصه‌ی موش کوچولو



موش کوچولو مریض بود.

مادرش او را پیش دکتر موشی برد.

دکتر نبض موش کوچولو را گرفت و گفت:

«نبضش که خیلی تند می‌زند!»

بعد هم قلب او را معاینه کرد. ضربان قلبش هم زیاد بود.

دکتر به مادر موش کوچولو گفت: «خانم موشه، مثل این که

بچه‌تان سرمای شدید خورده.»

خانم موشه با خجالت گفت: «نه آقای دکتر، سرما نخورده.

گربه دیده. آخه بچه‌ام خیلی ترسو است.»

دکتر موشی خندید و گفت: «آهان... پس این جور!»

و زود یک داروی ضد ترس از گربه برای مریض نوشت.

کی حاضر است؟

زنگ خورد.

بچه‌ها به کلاس آمدند.

خانم معلم دفترش را برداشت و شروع کرد به خواندن اسم بچه‌ها.

- رضا فاضل

- احمد قاضی زاده

...

همه حاضر بودند

به جز محمود رضایتی.

او مریض بود و در خانه مانده بود.

جایش در کلاس خالی بود.



جوجه‌ی رضا

رضا یک جوجه دارد.

جوجه‌اش کوچک و ضعیف است.

رضا مراقب است که جوجه‌اش مریض نشود.

بعضی وقت‌ها، گربه‌ی همسایه می‌آید و جوجه‌ی رضا را دنبال می‌کند.

رضا می‌دود و گربه را از خانه بیرون می‌کند.



رضایت‌نامه

رضا با خوش حالی از مدرسه به خانه آمد و گفت:
«مامان، بابا! فردا قرار است ما را به اردو ببرند.»
بعد هم ورقه‌ی رضایت‌نامه را از کیفش درآورد.
گفت: «اگر راضی هستید، این ورقه را امضا کنید.»
پدر گفت: «من راضی هستم. می‌دانم که مادرَت هم
رضایت دارد.»
بعد هم، رضایت‌نامه را امضا کرد و به رضا داد.

